

مبانی دینی انسان‌شناختی «جهاد ترکیبی»

با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دام‌ظله

دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۴ تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ محمدتقی رکنی لموکی*

چکیده

با تشکیل حکومت اسلامی در ایران، تهاجم استعمار علیه این انقلاب آغاز شد. این تهاجم هم اکنون در قالب «جنگ ترکیبی» ادامه دارد. یکی از راه‌های مقابله با آن، جهاد ترکیبی است. اما مسأله مهم آشنایی مجاهدان با مبانی دینی انسان‌شناختی این گونه از جهاد است. زیرا تا این مبانی تحکیم نیابد، عمل جهاد، به درستی صورت نخواهد پذیرفت. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش عبارت می‌باشد از: مبانی دینی انسان‌شناختی جهاد ترکیبی چیست؟ هدف از این تحقیق، استحکام روحیه و انگیزه‌بخشی به مجاهدان و آحاد جامعه برای جهاد در مقابل دشمن است. روش این تحقیق کیفی است که در قالب توصیف و تحلیل داده‌ها سامان یافته است. نتایج این پژوهش اثبات می‌کند راه مقابله با تهاجم همه‌جانبه دشمن، «جهاد ترکیبی» است و نخستین گام برای انجام آن، آشنایی با مبانی دینی جهاد؛ از جمله مبانی «انسان‌شناختی» است. انگاره‌های دوگانه روح و بدن، دوگانه فطرت و طبیعت، تأثیر القائنات شیطان بر نفس انسان، کیفیت حیات متعالی انسان، تکلیف و آزمون الهی انسان، از جمله مبانی انسان‌شناختی «جهاد ترکیبی» می‌باشند که مجاهد با تحکیم این مبانی در نهاد خود، جهاد را رُف‌تر درک کرده و استوارتر انجام می‌دهد.

واژگان کلیدی

جهاد ترکیبی، مبانی انسان‌شناختی، حکومت اسلامی، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشکده الهیات پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام:

مقدمه

حکومت اسلامی ایران از بدو تأسیس، همواره مورد هجوم استکبار جهانی بوده است. امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب در این باره آورده‌اند:

زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب‌آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبثات، امکان‌پذیر نمی‌شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

غربی‌ها در طول بیش از چهار دهه، با انواع تهدید و تهاجم، قصد نابودی یا دست‌کم، انحراف اهداف متعالی این نظام را داشته‌اند؛ واقعیتی که امروزه کسی آنرا انکار نمی‌کند. آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به همراه رژیم صهیونیستی، در رأس این دشمنی قرار دارند (افتخاری و راجی، ۱۴۰۱، ش ۵۴، ص ۱۱۵). نظر به ادامه حیات مقتدرانه حکومت جمهوری اسلامی و به صدا درآمدن آذیرهای ناکارآمدی راهبردهای غرب در مقابل ایران، اکنون شاهد افزایش دشمنی آنان با انقلاب اسلامی در قالب «جنگ ترکیبی» هستیم. نبرد ترکیبی از توانمندی‌های نظامی متعارف، ظرفیت‌های شورش و آشوب، تروریسم و افراط‌گرایی، جنگ‌های چریکی و نامتقارن یا محدود، دیپلماسی، جنگ‌های سایبر و فناوری‌های پیشرفته نظامی و جنگ‌های روانی و تبلیغاتی بهره می‌برد (همان، ص ۱۰۷).

حکومت اسلامی ایران هم به طور طبیعی، در برابر تهاجم همه‌جانبه دشمن، باید به جهاد همه‌جانبه یا «جهاد ترکیبی» بپردازد. این نوع جهاد، به فراخور تحرکات دشمن در حوزه‌های مختلف؛ هم‌چون نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، می‌تواند صورت گیرد. امام خامنه‌ای (مد‌ظله) در تبیین ضرورت شناخت «جنگ ترکیبی» و مقابله با آن می‌فرمایند:

امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. می‌دانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال این‌ها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور

است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان‌شاءالله تأمین کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۷/۱۱).

اما مسأله مهم پیرامون موضوع جهاد؛ به ویژه جهاد ترکیبی که از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، استحکام‌بخشی و بصیرت‌افزایی مجاهدان نسبت به این گونه از جهاد است. این مهم با درک صحیح از حقیقت خلقت، سرشت و سرانجام انسان قابل حصول است. با این وصف، از یک سو، نیاز دستگاه‌های مسؤول؛ به ویژه دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی، نظامی و انتظامی در طراحی و تقابل با «جنگ ترکیبی» دشمن و از سوی دیگر، نبود چارچوب مدون و روشن در موضوع «جهاد ترکیبی» و در نتیجه قرارگرفتن در وادی آزمون و خطا، این ضرورت را ایجاب می‌کند که به صورت جامع و کامل «جهاد ترکیبی» مورد واکاوی قرار گرفته، مبانی دینی آن استخراج و الگوی «جهاد ترکیبی» در دسترس جامعه هدف قرار گیرد.

بنابراین، آنچه اکنون رخ داده، «جنگ ترکیبی» دشمن بر ضد جمهوری اسلامی ایران است و آنچه که ضروری است، انجام شود، «جهاد ترکیبی» در مقابل «جنگ ترکیبی» دشمن است. قدم نخست در این جهت، شناخت کامل به مبانی دینی «جهاد ترکیبی» است. زیرا تا پایه‌های اعتقادی جهادگران، استحکام نیابد، تا اندیشه‌شان با مبانی اصیل دین، آشنا نگردد، تا زمانی که ندانند چرا و برای چه باید جهاد کنند، اهتمام به جهاد نخواهند داشت. چنان‌که مقام معظم رهبری (مد ظله) یکی از شاخص‌های شهدای مدافع حرم را اعتقاد به مبانی اسلامی می‌داند:

صفا و شجاعت و ایثار و اخلاص و اعتقاد عمیق به مبانی اسلامی و انقلابی در این جوان‌هایی که رفتند، واقعاً شگفت‌انگیز است، واقعاً یک پدیده بی‌نظیری است؛ انسان تعجب می‌کند. جز لطف خدا، جز هدایت الهی و سرانگشت هدایت ائمه معصومین علیهم‌السلام، چیز دیگری نمی‌تواند باشد. حالا بزرگان‌شان؛ مثل شهید سلیمانی و شهید همدانی و بزرگان دیگری که در این راه به شهادت رسیدند که به جای خود محفوظ (خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۳/۳۰).

حاصل آن‌که فهم منطق جهاد که برآمده از زیربناهای اعتقادی است، مقدمه جهاد و

مقدمه ورود به «جهاد ترکیبی» است، ضرورت پیدا می‌کند و در صدد است تا به این سؤالات پاسخ دهد.

الف) آیا در مقابل جنگ ترکیبی دشمن، جهاد ترکیبی لازم است؟

ب) آیا در جهاد ترکیبی انگیزه‌بخشی به مجاهدان مهم است؟

ت) آیا شناخت حقیقت انسان از طریق مبانی دینی، در انگیزه‌بخشی به مجاهدان تأثیر دارد؟

ث) کدام‌یک از مبانی دینی حقیقت انسان در جهاد ترکیبی تأثیرگذار در روحیه مجاهدان است؟

فرضیه این پژوهش آن است که جهاد ترکیبی در مقابل دشمن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که عامل انسانی؛ یعنی مجاهدان نقش اصلی را در این جهاد ایفا می‌کنند و شناخت نسبت به چرایی خلقت انسان، چگونگی زیست او و نیز فرجامش، نقش بسزایی در کیفیت جهاد مجاهدان دارد.

روش این تحقیق کیفی است که در قالب توصیف و تحلیل داده‌ها سامان یافته است و از ابزار جمع‌آوری اطلاعات تلفیقی؛ اعم از مطالعات کتابخانه‌ای، نرم‌افزاری و استفاده از وبگاه‌های رسمی و متقن استفاده شده است. ساختار این پژوهش بعد از بیان مفاهیم نظری و عملیاتی، معرفی مبانی انسان‌شناختی جهاد ترکیبی است که در این راستا به تحلیل انگاره‌های دوگانه روح و بدن، دوگانه فطرت و طبیعت، تأثیر القائنات شیطان بر نفس انسان، کیفیت حیات متعالی انسان، تکلیف و آزمون الهی انسان، پرداخته می‌شود.

پیشینه موضوع و تحقیق

در باره پیشینه موضوع جهاد ترکیبی، هیچ تحقیق مکتوب یافت نشد، اما موضوع جهاد به طور عام در آثاری؛ مانند «الکافی» از محمد بن یعقوب کلینی، «وسائل الشیعة» از محمد بن حسن حر عاملی، «جواهر الکلام» از محمد حسن نجفی، «تهذیب الأحکام» از محمد بن حسن طوسی و «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام» از جعفر بن حسن حلی بیان شده است. این دسته از آثار به صورت کلی به موضوع جهاد

پرداخته‌اند و طبیعی است که اهداف پیش روی این تحقیق را به نحو موجه کلیه تأمین نخواهند کرد.

البته در پیشینه تحقیق، پژوهش‌هایی وجود دارد که به صورت تکنوگاری به موضوع «جهاد» پرداخته‌اند و به مطالب ارزشمندی در این خصوص اشاره نمودند، اما همانند پژوهش‌ها در پیشینه موضوع نتوانستند اهداف پژوهش پیش رو را به صورت کامل و جامع تأمین نمایند. برخی از آن‌ها عبارتند از: کتاب «فلسفه جهاد و دفاع»، اثر اسحاق طاهری سرتشینزی (۱۴۰۰). نویسنده در این کتاب، مبانی کلامی جهاد را بررسی کرده است و تلاش نموده با روشی استدلالی، معارف معرفتی جهاد را اثبات نماید. کتاب «نظام دفاعی اسلام از دیدگاه فقه مقارن»، اثر محمدجواد مه‌ری، (۱۴۰۰). نویسنده کتاب، با گردآوری نظرات فقها، نگاهی فقهی به فریضه جهاد داشته است و سعی نموده نظام دفاعی اسلام را از منظر فقه مقارن بررسی نماید. مقاله «پیش‌ران‌های دینی دستیابی به اقتدار دفاعی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای (مد ظله)، از محمدتقی رکنی لموکی (۱۴۰۱). در این مقاله اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مد ظله) پیرامون عوامل رسیدن به اقتدار دفاعی مورد تحلیل قرار گرفته است. مقاله «تحلیل جنگ هیبریدی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، اثر اصغر افتخاری و محمدهادی راجی (۱۴۰۱). نویسندگان این مقاله سعی کرده‌اند با کالبدشکافی جنگ ترکیبی، تحلیل نسبتاً جامعی از این نوع جنگ به خواننده ارائه دهند.

لازم به ذکر است هیچ‌یک از منابع ذکر شده در پیشینه، ما را از تحقیق مورد نظر بی‌نیاز نخواهند کرد؛ زیرا آثار یادشده هر کدام بخشی از بحث پژوهش حاضر را بیان کرده‌اند؛ ضمن آن‌که سخنی از مبانی دینی «جهاد ترکیبی» به میان نیاورده‌اند. حال آن‌که این پژوهش در نظر دارد مبانی انسان‌شناختی دینی «جهاد ترکیبی» در اسلام را معرفی کند تا خواننده با چستی و چرایی این نوع جهاد آشنا گردد.

مفاهیم نظری و عملیاتی

در هر پژوهشی ادراک و فهم درست عنوان، متوقف بر فهم واژگان نظری آن است.

فهم واژگان مرتبط می‌تواند بر قوت در استدلال و ادراک مطالب تأثیرگذار باشد. از این رو، لازم است در این قسمت به فهم واژگان مرتبط با عنوان مقاله پرداخته شود.

جهاد

جهاد در لغت به معنای پرداختن و صرف نیرو برای دفع دشمن و راندن اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۸). مراد از واژه جهاد در اصطلاح رایج، گونه خاصی از تلاش طاقت‌فرساست و به جنگ با دشمن کافر (عاملی، ۱۹۵۸م، ص ۱۶۷ و تهانوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۹۸) یا کارزار در راه خدا با جان و مال و دیگر راه‌ها، با هدف اعتلا و گسترش اسلام و شعائر دین یا دفاع از آن گفته می‌شود (طباطبائی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۴۰ و نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳). جهاد به اعتبار «نوع دشمن» و یا «نوع هجوم و مقابله» اقسام مختلفی دارد (طباطبائی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴، ص ۴۱۱). جهاد اقسامی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

جهاد اکبر

جهاد اکبر؛ یعنی جهاد با نفس (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۰) و مبارزه با دشمن درون و رذایل نفسانی. در روایتی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: ای رسول خدا جهاد اکبر چیست؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: جهاد با نفس (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲).

جهاد اصغر

یعنی جهاد در راه خدا با دشمنان بیرونی هم‌چون کافران، مشرکان و کسانی که با اسلام یا مسلمانان به دشمنی می‌پردازند. بیش‌تر آیات جهاد در قرآن به این نوع جهاد اختصاص دارد. مانند:

«وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه (۹): ۴۱).

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نهج البلاغه،

نامه ۴۷): خدا را خدا را در باره جهاد با اموال و جان و زبان‌تان در راه خدا.

هر گاه در این پژوهش واژه جهاد به کار می‌رود، مراد از آن، مباحث زیر مجموعه «جهاد اصغر» می‌باشد. جهاد اصغر خود دارای گونه‌هایی است:

الف) جهاد ابتدایی

گونه‌ای از جهاد اصغر و به معنای جنگ با مشرکان و کفار برای دعوت آنان به اسلام و توحید و برقراری عدالت است. در این نوع جهاد که مسلمانان آغازگر نبردند، هدف از بین بردن سیطره کفر و فراهم آوردن امکان گسترش دین الهی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۱؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹ و مهری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۱).

ب) جهاد دفاعی

جهاد اصغر، گاهی جنبه دفاعی دارد؛ به معنای مبارزه و نبرد در برابر تهاجم دشمنانی است که اساس اسلام را تهدید می‌کنند و یا قصد تسلط بر سرزمین‌های اسلامی و ناموس، آبرو و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۴). این نوع جهاد را تدافعی نیز می‌نامند که در برخی آیات مطرح شده است:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ... فَإِنْ قَاتَلَكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ»
(بقره (۲): ۱۹۱-۱۹۰).

برخی از فقها این نوع اخیر را جزء اقسام جهاد به معنای اخص نمی‌دانند. بلکه نام آن را دفاع می‌گذارند. آنان فقط جهاد ابتدایی را جهاد می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۵).

ت) جهاد ترکیبی

گونه‌ای از جهاد اصغر که اشاره به مبارزه با دشمن در ابعاد مختلف دارد. این نوع جهاد به فراخور تحرکات دشمن در حوزه‌های مختلف؛ هم‌چون نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، می‌تواند صورت گیرد. اگر چه این اصطلاح مرکب، در

ادبیات دینی ما بکار نرفته است، اما با مراجعه به آیات قرآن، روایات و نیز سیره پیامبر اسلام ﷺ در مواجهه با دشمنان، رویکرد ترکیبی جهاد را می‌توان استنباط کرد. ضمن آن‌که عقل هم جهاد و تلاش همه‌جانبه و در ابعاد مختلف را برای مقابله با دشمنی که اقدام به «جنگ ترکیبی» کرده است، تأیید می‌نماید.

امام خامنه‌ای (مد ظله) بدون به‌کارگیری عبارت «جهاد ترکیبی»، در بسیاری از سخنان خود به مفهوم و ماهیت آن تأکید داشته‌اند. برای نمونه در باره همین مفهوم می‌فرماید:

جهاد (هم) فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. ... این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد، یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود، یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۲۰).

حاصل آن‌که هر گاه دشمن در یک زمان در عرصه‌های مختلف تهاجم کند، بی‌شک، جهاد هم باید در یک زمان و در عرصه‌های مختلف انجام گیرد. با این وصف، جهادی که در یک زمان و در عرصه‌های مختلف در مقابل جنگ دشمن، صورت می‌گیرد، تعبیری دیگر از «جهاد ترکیبی» است.

تحلیل مفهوم جهاد

با توجه به تعاریفی که از گونه‌های مختلف جهاد بیان شد، جهاد، گاهی جهاد ابتدایی است و گاهی جهاد دفاعی، جهاد ابتدایی که در مقابل تهاجم مستقیم دشمن نیست و به نظر بیش‌تر عالمان دینی، انجام آن، نیاز به اذن امام معصوم علیه‌السلام دارد (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹؛ مهری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۱ و نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۱). هر چند برخی دیگر از عالمان دینی به جواز جهاد ابتدایی توسط فقیه جامع‌الشرایطی که متصلی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، حکم داده‌اند (خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۱/۱).

در صورت پذیرش قول اول و به دلیل آن که اکنون در زمان غیبت معصوم علیه السلام به سر می‌بریم، غیر از جهاد ابتدایی، سایر اقسام جهاد، به واقع دفاع هستند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۵). بر این اساس، در این پژوهش هر جا واژه «جهاد» به کار می‌رود، یا مراد دفاع است یا جهاد دفاعی. از این رو، اگر به «جهاد ترکیبی»، «دفاع همه‌جانبه» گفته شود، صحیح است. همان‌طور که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با بسیجیان عبارت «مقاوم‌سازی حداکثری» و «دفاع همه‌جانبه» را به کار برده‌اند که نویسنده این سطور مفهوم «جهاد ترکیبی» را از آن استنباط می‌کند:

منطق بسیج «مقاوم‌سازی حداکثری» کشور در مقابل تهدیدها و خطرهای است؛ ... این منطق در ایجاد بسیج عامل اصلی بود، امروز هم همین منطق وجود دارد و این منطق به‌روز است. ... برای «دفاع همه‌جانبه» مادی و معنوی از هویت ملی، از امنیت کشور، از منافع مردم (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۹/۸). با این وصف، اگر بخواهیم تعریفی از «دفاع همه‌جانبه» داشته باشیم، باید بگوییم دفاع همه‌جانبه عبارتند از:

آماده‌سازی و به کارگیری همه سرمایه‌های انسانی، امکانات مادی و معنوی به منظور پیش‌گیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان خارجی و داخلی (خانی، ۱۳۷۶، ش ۱۵، ص ۱۴۹).

جنگ ترکیبی

نظر به این که «جهاد ترکیبی» در مقابل «جنگ ترکیبی» دشمن انجام می‌شود، مناسب است این نوع جنگ تعریف شود. جنگ ترکیبی یا هیبریدی جنگی با ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و نامتقارن است. جنگ ترکیبی شامل استفاده از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. جنگ ترکیبی جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم قابل توجهی به طور همزمان تحت فرماندهی واحدی رزم می‌کنند (کلانتری، ۱۳۹۵، ش ۲، ص ۱۴۶).

مبانی انسان‌شناختی جهاد ترکیبی

مبانی «جهاد ترکیبی» تابع جهان‌بینی الهی است. در مبانی «جهاد ترکیبی» به «هست‌ها» و «نیست‌ها» پرداخته می‌شود. بنابراین، پس از ذکر این مبانی، به چیستی و چرایی «جهاد ترکیبی» از منظر دین پاسخ داده می‌شود. بدین منظور، شناخت انسان که از سویی عنصر مهم در جهان‌بینی الهی است و از سویی دیگر، عامل «جهاد ترکیبی» است، اهمیت پیدا می‌کند.

یکی از تکالیف دینی، فریضه جهاد در مقابل با دشمنان است. با این وصف، انسان نقش محوری در جهاد ایفا می‌کند و شناخت ویژگی‌ها، حقوق و تکالیف او در شناخت مبانی «جهاد ترکیبی» مهم است. به همین دلیل، در ادامه به مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی «جهاد ترکیبی» پرداخته می‌شود.

الف) دوگانۀ روح و بدن

قرآن کریم، انسان را موجودی دوساحتی و دارای روح و بدن معرفی می‌کند (مؤمنون(۲۳): ۱۲-۱۵). این دوساحتی‌بودن انسان، از یک نوع تعارض معنادار و کنترل‌شده در وجود انسان حکایت می‌کند. آن چنان که این فرآیند متنازع بدن که از جنس طبیعت است، میل به طبیعت دارد و روح که موجودی از عالم ملکوت است، به ملکوت مایل است و این دو میل متنازع و نقش‌آفرینی آن‌ها، حیات انسان را تشکیل می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۵).

تقابل دو ساحت در وجود انسان، بیان‌گر تقابل جنود شیطانی و جنود رحمانی در انسان است؛ انسان از این منظر میدان تاخت و تاز این دو لشکر متعارض است؛ تا کدام بر دیگری غلبه کند و آن را از پای در آورد. این هویت دوگانه منشأ قضاوت‌های متضاد در باره انسان گردیده است. برخی فقط بُعد مادی انسان را ملاحظه کرده‌اند، پس او را پلید و شرور دانسته‌اند و برخی بر بُعد ملکوتی انسان تمرکز کرده‌اند و او را برتر از همه مخلوقات الهی انگاشته‌اند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در باره انسان دوساحتی می‌فرماید:

اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند، دارای دنیا و آخرت، ... اگر

یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آیینی، انسان را تک‌ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دوساحتی می‌داند - به کلی متفاوت خواهد بود. ... نه دنیای انسان باید مغفول‌عنه واقع بشود، به توهّم دنبالگیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول‌عنه واقع بشود، به‌خاطر دنبالگیری از دنیا (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

به دلیل دوساحتی‌بودن انسان، قرآن کریم نیز دو دسته تعابیر متضاد در وصف انسان ذکر کرده است. گاهی او را صاحب خلافت و کرامت الهی (اسراء(۱۷): ۷۰ و بقره(۲): ۳۰) و گاهی نیز با صفات نکوهیده (نساء(۴): ۲۸؛ معارج(۷۰): ۱۹-۲۱؛ ابراهیم(۱۴): ۳۴؛ حج(۲۲): ۶۶؛ عادیات(۱۰۰): ۶ و ق(۵۰): ۲۵) از وی یاد می‌کند.

وجه تفاوت این گونه تعابیر، همان هویت دوگانه در ساختار وجودی انسان و به این معناست که هر یک از ساحت مملکی و ساحت ملکوتی، مقتضیات خاص خود را دارد و حیات انسان بین دو قطب متضاد در نوسان است. او بسته به راهی که در زندگی پیشه می‌کند؛ هم می‌تواند بهترین آفریده باشد و هم پست‌ترین آن قلمداد شود. آن چنان‌که حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) می‌فرماید:

ما هستیم که با رفتار و جهت‌گیری‌های خودمان، زندگی را مبارک می‌کنیم یا نامبارک می‌کنیم. یعنی آن‌چه که سرنوشت نهایی انسان را تنظیم می‌کند، انتخاب خود انسان است. خدای متعال این توانایی را به ما داده که انتخاب کنیم «وَهْدِيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»^۱؛ دو راه را به ما نشان داده که انتخاب کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۲۳).

در این میان، طبیعت وجود آدمی به لحاظ برخورداری از زمینه‌های هوای نفس به زشتی‌ها میل شدید دارد که منجر به سرکشی و نزاع او با خدا و خلق خدا می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» (علق(۹۶): ۶ و ۷)؛ این چنین نیست [که انسان سپاس‌گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می‌کند. برای این‌که خود را بی‌نیاز می‌پندارد.

قرآن کریم عواملی را برای سرکشی انسان بر شمرده است. از جمله خود برترینی (فرقان (۲۵): ۲۱)، انکار معاد و قیامت (مؤمنون (۲۳): ۷۵-۷۴ و نبأ (۷۸): ۲۷-۲۲)، رفاه زدگی (قصص (۲۸): ۵۸)، فرزند ناصالح (کهف (۱۸): ۸۰)، عدم تزکیه (نازعات (۷۹): ۱۷-۱۸). در روایات نیز به عوامل طغیان انسان اشاره شده است؛ چنان که امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«و إن أفاد مالا أطغاه الغنى» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۵)؛ (انسان) اگر مالی به دست آورد، ثروت، او را به طغیان وا می دارد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«إن البطن إذا شبع طغى» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۲۴۲)؛ چون شکم پر و سیر شد، طغیان می کند.

خصلت سرکشی و طغیان انسان که از بُعد مادی او سرچشمه می گیرد، زمینه ساز بروز انواع تخصصات و تقابلات در بین انسان ها و جوامع بشری است. به همین دلیل، فهم دوساختی بودن انسان که حکایت از روحیات، حالات و رفتار او دارد، مؤثر و کارساز در «جهاد ترکیبی» است. مجاهد باید بداند دارای نفسی است که قادر است بدن را تدبیر کند و او را به خطا یا به صواب رهنمون سازد. در قرآن کریم در باره نفس می خوانیم:

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس (۹۱): ۸-۷)؛ و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است.

از منظر علامه طباطبایی، در این آیه شریفه، مراد نفس انسانیت و جان همه انسان هاست (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۰، ص ۲۹۷). ملاصدرا نیز در باره نفس می نویسد:

خداوند ... ذات نفس را از ماده، مکان و جهت منزّه ساخت و آن را برخوردار از قدرت، علم، اراده، حیات و سمع و بصر و دارای مملکتی چون مملکت پروردگارش گرداند تا هرچه بخواهد در آن بیافریند و اراده کند (ملاصدرا شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۵).

با این وصف، انسان هر چه بیش تر در مسیر پرورش روحی خود حرکت کند، از

تجاوز و ستم به دیگران اجتناب می‌کند و هرچه بر اساس هوای نفس و بُعد مادی وجود خود عمل نماید، آتش قدرت‌طلبی در او شعله‌ور می‌شود که نتیجه آن تهاجم و تجاوز به سایر انسان‌ها است که به تعبیر قرآن کریم، عاقبت آنان تباهی است:

«ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»
(روم (۳۰): ۱۰)؛ سپس عاقبت آن کسان که مرتکب کارهای بد شدند، ناگوارتر بود. زیرا اینان آیات خدا را دروغ انگاشتند و آن‌ها را به مسخره گرفتند.

حضرت علی (علیه السلام) نیز در باره دل‌شیفتگان به دنیا می‌فرماید:

«من لهج قلبه بحب الدنيا التا ط منها بثلاث هم لا يغنيه [لا يغيبه] و حرص لا يترکه و أمل لا يدركه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳۴)؛ و هر که دلش شیفته دنیاست، سه چیز بر قلبش چیرگی دارد: اندوهی که از او دست بر ندارد و حرصی که رهایش نکند و آرزویی که به او نرسد.

ب) دوگانه فطرت و طبیعت

یکی دیگر از مباحث شناخت انسان که در جهادگری او تأثیر دارد، دوگانگی فطرت و طبیعت است. مجاهدان باید آگاهی یابند که حیات و موجودیت آدمی مرهون کارکرد فطرت و طبیعت است؛ از این دو، طبیعت، نیازهای طبیعی؛ اعم از نباتی و حیوانی را پاسخ می‌دهد. اما فطرت نیازهای برتری را پیش می‌کشد و رفع می‌کند؛ چرا که به گفته قرآن کریم، ساحت فطری انسان در مرتبه تنزه از آلودگی و تیرگی از عرصه نبرد، فارغ از تضاد بوده و نیز تجلی‌گاه توحید است. چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم (۳۰): ۳۰)؛ پس [با توجه به بی‌پایه بودن شرک] حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای‌بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش.

البته داشتن فطرت پاک، شرط کافی برای رستگاری نیست، بلکه افزون بر آن، انسان باید با اختیاری که خداوند به او داده است، در مسیر صحیح نیز گام بردارد تا از

هلاکت رهایی یابد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

أَحَاطَ بِهِنَّ سُرَادِقُهَا» (کهف(۱۸): ۲۹)؛ و بگو: حق از پروردگارتان [رسیده]

است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند که ما برای

ستم‌گران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را در بر می‌گیرد.

امام علی علیه السلام یکی از اهداف ارسال رسولان را بیداری فطرت انسانی اعلام می‌دارد:

«واتر إليهم أنبياءه ليستأدوهم ميثاق فطرته» (حلی، ۱۹۸۲، ص ۱۴۱)؛

پیامبران را به میان‌شان بفرستاد تا از مردم بخواهند که آن عهد را که

فطرت‌شان بر آن سرشته شده، به جای آرند.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در توضیح این حدیث شریف می‌فرماید:

پیغمبران هم آغاز همه حرکت‌های خودشان را از انقلاب روحی افراد شروع

کردند. این که امیرالمؤمنین می‌فرماید ... «یستأدوهم ميثاق فطرته»؛ یعنی آن

سرشت نهفته انسانی را در این‌ها بیدار می‌کردند و آن را وادار می‌کردند به

تحرك و هدایت‌گری عملیات و اقدامات انسان‌ها (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

مجاهد در روند تعالی خود، نباید هیچ‌کدام از فطرت و طبیعت را نادیده انگارد؛ زیرا

هر دو از قوای روحی انسان و مؤثر در سعادت او هستند؛ با این تفاوت که فطرت،

نحوه هستی روح بلند انسانی است و مرتبه وجودی آن نسبت به طبیعت بالاتر است.

روح انسان با قدرت‌گزینشی که خدا به او داده است، می‌تواند هر یک از فطرت یا

طبیعت را در ابعاد مختلف وجود خود (یعنی علم، اراده و عمل) حاکم کند که مسلماً

حاکمیت فطرت به دلیل هم‌سویی و هم‌نوایی با روح الهی و ودیعه ملکوتی انسان،

شاکله او را الهی می‌کند و طبیعت، چون با بدن مادی و عالم خاکی پیوند دارد، در

صورت حاکمیت بر انسان، او را منکوس و معکوس به سمت عالم ماده و طبیعت قرار

می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹).

با توجه به ساختاری که این گونه تعبیر از دوگانه فطرت و طبیعت القا می‌کند، این

دوگانگی می‌تواند بستری برای تنازع درونی فراهم آورد. زیرا از این دو، یکی مقتضی

مادیت و فرو رفتن در حوایج مادی و نفسانی است و دیگری انسان را به تعالی و فرا رفتن از ماده و مادیات بر می‌انگیزاند. همان گونه که انسانیت انسان و امتیاز او از حیوانات به روح او مربوط می‌شود، فرمانروایی فطرت بر طبیعت این تمایز را در عمل تثبیت می‌کند. البته دفاع و ساز و کار دفاعی در هر دو سطح طبیعت و فطرت منظور شده است.

این جذب و دفع و میل و نفرت در سطح طبیعت به صورت غریزی رخ می‌دهد؛ از این رو، همه حیوانات در برابر دشمن و خطر، به هر نحو ممکن می‌کوشند تا از خود دفاع کنند و خود را حفظ کنند. اما در سطح فطرت، به لحاظ تقدم بر طبیعت، سخن از تشریح و تدبیر نیز به میان می‌آید.

با این وصف، فطرت جایگاهی بس ارجمند می‌یابد و در نصوص و معارف اسلامی اهمیت بنیادی پیدا می‌کند. اسلام هم، چون دین فطرت است، آموزه‌های خود را منطبق و سازگار با فطرت انسانی قرار داده است؛ زیرا نسخه تشریحی دین از همان منبعی صادر شده است که نسخه تکوینی وجود انسان را آفریده و تدبیر می‌کند. از این رو، در همه مسائل انسانی و از جمله مسأله دفاع، جانب فطرت انسانی را می‌گیرد و بر لزوم آمادگی، هوشیاری و تجهیز جامعه اسلامی به ابزارها و مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای دفاع از حیات، هویت و منافع نظام امت تأکید می‌کند.

نتیجه این دفاع هم که بر مبنای فطرت انسانی قوام یافته است، وعده پیروزی جبهه حق است که خداوند در برخی آیات بدان اشاره کرده است (اسراء (۱۷): ۸۱؛ انفال (۸): ۷؛ شوری (۴۲): ۲۴ و یونس (۱۰): ۸۲). لازم به ذکر است، پیام این آیات را نمی‌توان در زمان و مکان خاص متوقف کرد، بلکه پیام آن پیرامون یک خواست اصیل فطری انسان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها؛ یعنی حاکمیت حق و اضمحلال باطل است.

چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء (۲۱): ۱۸)؛ بلکه ما

حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این گونه، باطل محو و

نابود می‌شود.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در

قرآن، ذیل این آیه بیان می‌دارند:

این راه حق، این طریقه صحیح، این طریقه فطری و سرشتی انسان و جهان، این بالأخره بر باطل پیروز خواهد شد. بلکه پیروز می‌گردانیم حق را بر باطل (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۲/۲۴).

ت) دشمنی شیطان با انسان

دشمنی شیطان با انسان، از جمله مبانی انسان‌شناختی می‌باشد که قابل طرح در موضوع «جهاد ترکیبی» است. این دشمنی از آن‌جا آغاز شد که شیطان یکی از جنیان بود و در اثر عبادت، توانست در ردیف فرشتگان قرار گیرد. اما فرمان الهی را انجام نداد و بر آدم سجده نکرد. بدین سبب از درگاه الهی رانده شد (بقره (۲): ۳۴). سپس از انسان کینه گرفت و مصمم شد تا فرزندان آدم را گمراه سازد. خداوند نیز چنین فرصتی را به شیطان داد (حجر (۱۵): ۳۶-۴۰) تا از یک سو عبرتی برای شیطان و جنود او باشد و روشن شود که هیچ مخلوقی را توان رویارویی با مشیت و اراده الهی نیست و از سویی دیگر، هشدار می‌دهد که انسان با شیطان در میدان کارزار با دشمنی غدار و حيله‌گر بداند و همواره بکوشد تا آمادگی لازم برای مقابله با آن را کسب کند. قرآن کریم در باره دشمنی شیطان با انسان هشدار می‌دهد و از همه مؤمنان می‌خواهد که از شیطان دوری کنند (بقره (۲): ۲۰۸).

شیطان با عواملی هم‌چون غرور و زیاده‌خواهی، انسان‌ها را اغوا کرده، آنان را به جنگ و نزاع می‌کشاند. برخی آیات قرآنی، به این نقش آفرینی شیطان در جنگ و نزاع میان انسان‌ها اشاره دارد (حج (۲۲): ۴؛ نحل (۱۶): ۹۹-۱۰۰؛ ابراهیم (۱۴): ۲۲؛ اسراء (۱۷): ۶۵-۶۴ و آل عمران (۳): ۱۵۵). یکی از تعبیر تند شیطان در قرآن این گونه آمده است:

«وَلَا ضَلِيلَهُمْ وَلَا مَئِينَهُمْ وَلَا مَرْئِيَهُمْ فَلْيَتَّكِنِ الْأَنْعَامَ وَلَا مَرْئِيَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خُلُقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء (۴): ۱۱۹)؛
و گمراه‌شان می‌کنم و آرزومندشان می‌سازم و وادارشان می‌کنم تا به عنوان
تحریم گوشت حیوانات حلال گوشت، گوش آن‌ها را بشکافند و دستورشان

می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند و هر کس به جای خدا، شیطان را دوست بگیرد، زبانی آشکار کرده است.

نکته قابل توجهی که در این آیه به چشم می‌خورد، هدف شیطان در تغییر هویت انسان است که با عبارت «فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» بیان شده است؛ یعنی شیطان، به انسان شیطان صفت بسنده نمی‌کند و می‌کوشد تا سرشت و ذات آدمی را نیز ماهیت شیطانی بدهد. از این منظر، شیطان همه سعی خود را به کار می‌برد تا هویت انسان را به صورت هویت شیطان دگرگون سازد. با چنین دگرگونی در هویت انسان، شخص تنها صورت انسانی دارد، اما سیرت شیطانی پیدا کرده است. از این رو، در قرآن در باره این افراد می‌فرماید:

«شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (انعام (۶): ۱۱۲).

امام علی عليه السلام تصویر روشنی از این گونه هویت ارائه می‌کند و می‌فرماید:

منحرفان شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرار داد و در دل‌های آنان تخم گذاشت و جوجه‌های خود را در دامان‌شان پرورش داد؛ با چشم‌های آنان نگریست و با زبان‌های آنان سخن گفت، پس با یاری آن‌ها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد (نهج البلاغه، خطبه ۷).

یکی از مواضعی که فعالیت و رهنمائی شیطان به شدت اوج می‌گیرد و بی‌مهابا در اغوای فرد می‌کوشد، هنگام جهاد است. با این وصف، می‌توان جهاد را مرکز ثقل فعالیت شیطان برای فریب مجاهدان دانست و در مقابل، می‌توان یکی از وجوه علو مرتبه و مقام مجاهدان را مقاومت در برابر ترندهای بسیار پیچیده و آراسته شیطان انگاشت (طاهری سرتشنیزی، ۱۴۰۰، ص ۵۱۴).

در حدیث از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده است که شیطان در وجود انسان مجاهد این گونه القا می‌کند: آیا عزم جهاد داری؛ با این که جهاد دست کشیدن از جان و مال است؛ زیرا قتال می‌کنی و کشته می‌شوی، آن‌گاه دیگری با زنت ازدواج می‌کند و اموالت در بین دیگران تقسیم می‌شود. اما مجاهد راستی از وسوسه شیطان پرهیز می‌کند و به جهاد

ادامه می‌دهد. سپس پیامبر ﷺ وعده می‌دهد، بی‌شک چنین مؤمنی، وارد بهشت می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۴۲).

حیات متعالی انسان

یکی دیگر از مبانی انسان‌شناختی در «جهاد ترکیبی» آشنایی با حیات متعالی انسان است. حیات متعالی، طریقه زندگی انسان بر اساس معیارهای دینی است که در آن هدف از خلقت؛ یعنی رسیدن به «قرب الی الله» محقق خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۳۹۶-۳۸۴). «جهاد ترکیبی» در مقابل «جنگ ترکیبی» دشمن، که یک فریضه الهی است، در حیات متعالی انسان معنا پیدا می‌کند. بدین منظور، شناخت این‌گونه از حیات که در مباحث انسان‌شناختی مطرح است، اهمیت ویژه دارد.

از منظر قرآن کریم، حیات متعالی انسان، یک حیات طیبه‌ای است که در پرتو ایمان و عمل صالح به وقوع می‌پیوندد (نحل (۱۶): ۹۷). از جمله شاخص‌های قرآنی حیات متعالی این‌که انسان‌ها به عنوان یک کل نگریسته می‌شوند. پس ظلم بر یک انسان، به منزله ظلم بر تمام انسان‌ها انگاشته می‌شود (مائده (۵): ۳۲). با این وصف، هرگونه تخطی از ابعاد اصیل انسانی؛ هم‌چون قدرت‌طلبی و لذت‌جویی به منظور ستم بر سایر انسان‌ها، ضد حیات متعالی بوده است. در مقابل جهاد و مبارزه با ظالمان و مستکبران در حیات متعالی تفسیرپذیر است. مرحوم محمدتقی جعفری در مقام اشاره به عامل ضد حیات متعالی در انسان می‌گوید:

در این حیات که ابعاد اصیل انسانی عناصر پایدار آن است، خواسته‌های شخصی آدمیان که «خواهان لذایذی» غیر از لذایذ قانونی آن ابعاد اصیل است، به جهت تصادمی که با لذایذ قانونی دارد، حذف و مردود شناخته می‌شود؛ مانند ثروت غیر قانونی و سلطه‌جویی و هدف قراردادن مسائل جنسی و امثال این‌گونه خواسته‌ها که مزاحم ابعاد اصیل خود و دیگران می‌باشد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۶۴).

انسان برای رسیدن به حیات متعالی به دو ابزار نیاز دارد: اول ابزار طبیعی که

خداوند در عالم تکوین به او داده است. دوم تلاش و کوشش خودش؛ مانند علم و معرفت که با اختیار شخص حاصل می‌شود. اصل کلیدی برای رسیدن به حیات طیبه، گام‌نهادن در مسیر حق؛ یعنی مسیری است که خداوند برای زندگی انسان ترسیم کرده است. بر این اساس، انسان در دفاع از مسیر حق تعالی، اگر چه از حیات مادی خود می‌گذرد، اما به حیات طیبه نایل می‌شود. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرماید:

هنر بزرگ پیامبران الهی این است که این غایت قصوی و این مقصد اعلی را به بشر معرفی کنند و بشناسانند و راه را نشان دهند و بگویند که صراط مستقیم؛ یعنی صراط الی الله و بفهمانند که هر چه از قوای انسانی در اختیار اوست - عقل و احساسات و حواس ظاهری و توانایی و دست و پا و چشم و نعمت هایی که در طبیعت هست - همه و همه وسایلی هستند، برای این که انسان بتواند راحت‌تر این راه را طی کند. بهترین انسان‌ها، آن انسانی است که این راه؛ یعنی راه خدا و هدف عالم وجود را می‌شناسد - که هدف خلقت هم همین است - و از نیروهای خود و طبیعت، برای رسیدن به این راه، استفاده می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۷/۱۸).

ج) تکلیف و آزمون الهی انسان

در فرهنگ دینی، انسان‌ها در مدت حیات خود، مورد آزمون و امتحان الهی قرار می‌گیرند. این حقیقتی است که مجاهد باید در «جهاد ترکیبی» بدان توجه داشته و ملتزم به رعایت آن باشد. ابزار آزمایش‌های الهی، اموری از قبیل ترس، گرسنگی، زیان‌های مالی و جانی، فرزندان و... است. انگیزه آزمون‌های الهی نیز بروز شایستگی‌های نهفته در بشر و رسیدن به کمال مطلوب و جداسازی افراد خوب از بد و دیگر این که آزمون، مقیاس پاداش‌ها و کیفرها است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (بقره (۲): ۱۵۵)؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان.

آیات قرآن کریم امتحان و آزمایش بشر را با تعبیرهای گوناگون؛ هم‌چون فتنه، بلا، تمحیص، تمییز و امتحان یاد کرده است (آل عمران(۳): ۱۵۴ و ۱۷۹؛ فرقان(۲۵): ۲۰ و توبه(۹): ۱۶).

«جهاد ترکیبی» نیز به عنوان تکلیفی فراروی انسان، توأم با جنبهٔ آزمون‌بودن آن در مباحث انسان‌شناختی، مورد توجه قرار می‌گیرد. قرآن کریم از جریان جهاد به عنوان تکلیفی الهی یاد می‌کند که طبع آدمی نسبت به انجام آن کراهت دارد و حال آن‌که رستگاری او در ادای تکالیف الهی و قبولی در آزمون الهی است (بقره(۲): ۲۱۶).

آزمون‌بودن جهاد، بدان سبب است که این دستور الهی، از سویی نمودی از تقابل انسان با لذت‌جویی، تن‌پروری و راحت‌طلبی و از سوی دیگر، استقبال از سختی‌ها، ناملایمات و احتمال از دست‌دادن مال و جان است. به تعبیر قرآن کریم، نتیجه موفقیت در آزمون جهاد، مانند سایر آزمون‌ها، هدایت الهی است (بقره(۲): ۱۵۷-۱۵۵). این معنای هدایت، همان کمال و شکوفایی وجودی انسان است که جز از طریق تحمل رنج‌ها و سختی‌ها حاصل نمی‌گردد. پس از این منظر، استقبال از آزمون‌های الهی و تجربهٔ موفق در جریان آن، شرط اجتناب‌ناپذیر هدایت است. از این جهت بوده است که رهبران الهی همواره اعتبار و جایگاه خاصی برای کسانی قائل بودند که در کوران سختی‌ها و مبارزات از طریق مجاهدات پرورش یافته بودند.

دلیل این اعتبار به ایمان و معرفت مجاهدان باز می‌گردد؛ اصولاً کسی که از مراتب عالی ایمان و معرفت الهی برخوردار باشد و نظام حکیمانه و عادلانه عالم را از عمق جان پذیرفته باشد، هنگام برخورد با سختی‌ها و بلاها، نه تنها زبان اعتراض نمی‌گشاید، بلکه آن‌ها را از جمله مقدراتی می‌انگارد که بنا بر حکمت الهی، شرط حیات و کمال است.

قابل ذکر است؛ گرچه خوی تجاوزگری، به خودی خود مردود و مغایر با مشیت الهی است و نمی‌توان از این جهت آن را مصداقی از آزمون الهی بر شمرد، اما تجاوز به انضمام چگونگی رفتار در برابر آن، در مجموع نمونه‌ای از آزمون الهی است. بنابراین، مقاومت در برابر متجاوز که به صورت جهاد نمودار می‌گردد، آزمون الهی است و آثار و برکات خاص دنیایی و آخرتی خاص خود را دارد (آل نبی، ۱۴۰۰، ش ۱۴، ص ۱۸).

به تعبیر دیگر، اصل مقابله با دشمن و چگونگی آن، تجاوز و تهدید را به فرصت و نصرت دگرگون می‌سازد و این نتیجهٔ آزمون‌انگاری جهاد است. با نگاه به آثار و برکات جهاد ملت ایران در دوران دفاع مقدس، نتایج آزمون‌انگاری جهاد اثبات می‌شود. امام خامنه‌ای (مد ظله) در سخنان خود این آثار و برکات را بر شمرده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. محل بروز غیرت و تعصب و وفاداری عمیق انسان‌ها به آرمان‌ها (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۹).
۲. نردبانی به سمت قله آرزوها و ارزش‌های اسلامی و وسیله‌ای برای پیشرفت (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۱).
۳. موجب پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و ساخت دقیق‌ترین ابزارها (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۶/۲۹).
۴. برانگیختن ملت‌های مسلمان دنیا (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۸/۲۴).
۵. نشان‌دادن اعماق جوهره اصلی ملت در ابعاد مختلف (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۳۱).
۶. شعله‌ورتر شدن نیروی انقلاب و روحیه انقلابی (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱/۲۶).
۷. دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است. ... مظهر شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۴).
۸. مجال بروز و ظهور حرکت عظیم مخلصانه مردم (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷).

نتیجه‌گیری

«جنگ ترکیبی» دشمن علیه حکومت اسلامی ایران، یک حقیقت غیر قابل انکار است که راه مقابله با آن، «جهاد ترکیبی» است. آمادگی مجاهدان برای حضور در چنین جهادی، نیازمند تحکیم مبانی دینی است. دوگانگی روح و بدن، دوگانگی فطرت و طبیعت، دشمنی شیطان با انسان، حیات متعالی انسان و تکلیف و آزمون الهی از جمله

مبانی انسان‌شناختی دینی است که فهم صحیح آن‌ها انسان را در مسیر «جهاد ترکیبی» مدد می‌رساند. با این وصف، بر متولیان، مسؤولان و تمامی دست‌اندرکاران حوزه مقابله با دشمن، ضروری است مجاهدان را هر چه بیش‌تر با مبانی انسان‌شناسانه «جهاد ترکیبی» آشنا نمایند. این مهم می‌تواند در قالب آموزش عقیدتی، دوره‌های بصیرتی، تدوین کتاب، مقاله، جزوه و نیز آشنایی با الگوهای مناسب؛ هم‌چون شهید حاج قاسم سلیمانی محقق گردد.

یادداشت‌ها

۱. بلد (۹۰): ۱۰.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آل نبی، سیدمحسن و یوسفی مقدم، محمدصادق، «چالش‌های مقاومت از منظر قرآن کریم»، فصلنامه بیداری اسلامی، سال دهم، ش ۱۴، ۱۴۰۰.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. افتخاری، اصغر و راجی، محمدهادی، «تحلیل جنگ هیبریدی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علمی آفاق امنیت، سال پانزدهم، ش ۵۴، ۱۴۰۱.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. تهانوی، محمد علی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، بی تا.
۷. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۴، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۸. جمعی از نویسندگان، درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۹۷.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء، ۱۳۸۶.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۴، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۱. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۲م.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۱/۷/۱۱.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ، ۱۳۷۵/۳/۲۰.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتائات، ۱۴۰۳/۱/۱.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۱۳۸۸/۶/۲۴.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه امام حسین علیهم السلام، ۱۳۸۸/۱/۲۶.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۸۴/۶/۳۱.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۵/۹/۲۴.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۴/۶/۲۹.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۶۹/۶/۱.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس، ۱۳۸۵/۷/۲۹.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بین‌المللی شهدای مقاومت و مدافع حرم، ۱۴۰۳/۳/۳۰.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۴۰۲/۹/۸.
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات پس از اقامه نماز در جمع برخی از شخصیت‌های فرهنگی - سیاسی، ۱۳۹۰/۱/۲۳.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی علیهم السلام، ۱۳۹۹/۳/۱۴.

۳۱. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، مبحث، پیروزی همیشگی حق، ۱۳۹۹/۲/۲۴.
۳۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۵/۷/۱۸.
۳۳. خانی، مهدی، «امام خمینی علیه السلام بسیج، استراتژی دفاع همه‌جانبه»، مطالعات بسیج، ش ۱۵، ۱۳۷۶.
۳۴. دعایی، حبیب‌الله، مرتضوی، سعید، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مشهد: بیان هدایت نور، ۱۳۸۱.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۶. طاهری سرتشنیزی، اسحاق، فلسفه جهاد و دفاع در اسلام، قم: زمزم هدایت، ۱۴۰۰.
۳۷. طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل، ج ۷، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
۳۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴ و ۳۰، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ق.
۳۹. عاملی، احمدرضا، معجم متن اللغة، بیروت: دارمکتبه الحیاء، ۱۹۵۸م.
۴۰. کلاتری، فتح‌الله، «تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی»، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۵.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۴۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: ادنا، ۱۳۸۴.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۶. ملاصداری شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۴۷. مهری، محمدجواد، نظام دفاعی اسلام از دیدگاه فقه مقارن، ج ۲، قم: مکتب اندیشه، ۱۴۰۰.
۴۸. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.